

Islamic Knowledge and Insight

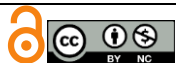
Financial Rights of Orphans in the Qur'an and Iraqi Law: A Comparative Analysis of Property Preservation, Oversight, and Enforcement Mechanisms

1. Noor Mohsin Hadi: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Abolfath Azizi*: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Abar.C., Islamic Azad University, Abarkooh, Iran. (Email: Abolfath.azizi@iau.ac.ir)
3. Ghassan Obaid Mohammed Al-Mamoori: Professor, Department of Law, Faculty of Law, University of Karbala, Karbala, Iraq
4. Mojtaba Bahramipour: Associate Professor, Department of Islamic Studies, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

Using a descriptive-analytical approach and a comparative method, this article examines the Qur'anic model for safeguarding the property of orphans in comparison with Iraq's legal and executive frameworks. The study focuses exclusively on financial rights—from the death of the guardian until the orphan's attainment of *rushd* (maturity) and the transfer of property. Key Qur'anic verses (al-Nisā' 2, 5–6, 10; al-Duhā 9) and core concepts such as property delivery, prohibition of commingling and unlawful consumption, and the test of maturity are identified and then compared with the juristic principles of *lutf* (benevolence), *lā ḍarar* (no harm), and property retention. Subsequently, these concepts are analyzed alongside Iraqi laws and practices in the fields of personal status, civil law, guardianship, and post-2003 welfare policies. The findings show that the Qur'an's tripartite logic of "preservation and transfer," "continuous supervision," and "enforcement guarantees" has been embodied in Iraq's multilayered judicial and administrative structures and further strengthened after 2003 through social support mechanisms such as pensions, free education, and social housing. However, the absence of a "standard protocol for verifying financial maturity" and inconsistencies in supervisory enforcement—particularly across regions and underprivileged areas—remain significant gaps. The innovation of this article lies in proposing an operational implementation package that includes the development of financial maturity assessment indicators, the establishment of electronic asset registration, risk-based auditing, beneficiary transparency for guardians, and stricter criminalization of supervisory negligence—an integrated framework that aligns the Qur'an's ethical deterrence with the judiciary's legal deterrence.

Keywords: *Orphans' property; guardianship; judicial oversight; enforcement guarantees; personal status law; social protection.*



How to cite: Hadi, N. M., Azizi, A., Al-Mamoori, G. O. M., & Bahramipour, M. (2026). Financial Rights of Orphans in the Qur'an and Iraqi Law: A Comparative Analysis of Property Preservation, Oversight, and Enforcement Mechanisms. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-10.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 June 2025

Revise Date: 03 November 2025

Accept Date: 10 November 2025

Initial Publish: 11 November 2025

Final Publish: 09 April 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

حقوق مالی یتیم در قرآن و قوانین عراق: تحلیل تطبیقی سازوکارهای حفظ مال، نظارت و ضمانت اجرا

۱. نور محسن هادی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. ابوالفتح عزیزی*: استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران. (پست الکترونیک: Abolfath.azizi@iau.ac.ir)
۳. غسان عبید محمد المعموری: پروفسور، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه کربلا، کربلا، عراق
۴. مجتبی بهرامپور: دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

این مقاله با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تطبیقی، الگوی قرآنی صیانت از اموال یتیم را با چارچوب‌های حقوقی و اجرایی کشور عراق مقایسه می‌کند. تمرکز مقاله صرفاً بر حقوق مالی است؛ از زمان فوت ولی تا رسیدن به «رشد» و تحویل اموال. آیات کلیدی (نساء/۲، ۵-۹؛ صبحی/۹) و مفاهیم محوری همچون تحویل اموال، منع خلط و اکل ناروا، و آزمون رشد، استخراج شده‌اند و سپس با قواعد فقهی لطف، لا ضرر و احتفاظ مال مقایسه می‌شوند. در ادامه، این مفاهیم با قوانین و رویه‌های عراقی در حوزه‌های احوال شخصیه، مدنی، قیمومت و سیاست‌های حمایتی پس از سال ۲۰۰۳ تطبیق داده شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که منطق سه گانه قرآن «حفظ و تحویل»، «نظارت مستمر» و «ضمانت اجرا» در حقوق عراق به صورت یک ساختار چندلایه قضایی/اداری تجلی یافته و پس از سال ۲۰۰۳ با حمایت‌های اجتماعی (مستمری، آموزش رایگان، مسکن اجتماعی) تقویت شده است. با این حال، نبود پروتکل استاندارد برای احراز رشد مالی و عدم یکسانی در اجرای نظارت (در اقلیم‌ها و مناطق محروم) هنوز هم شکاف اصلی به شمار می‌رود. نوآوری این مقاله در ارائه یک بسته اجرایی عملیاتی است که شامل تدوین شاخص‌های سنجش رشد مالی، استقرار ثبت الکترونیکی دارایی‌ها، حسابرسی مبتنی بر ریسک، شفافیت ذی‌نفعی قیم و جرم‌انگاری صریح‌تر قصور ناظر می‌باشد؛ بسته‌ای که بازدارندگی اخلاقی قرآن را با بازدارندگی قضایی قانون هم‌راستا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: یتیم؛ اموال؛ قیمومت؛ نظارت قضایی؛ ضمانت اجرا؛ قانون احوال شخصیه؛ حمایت اجتماعی.

شیوه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۵). حقوق مالی یتیم در قرآن و قوانین عراق: تحلیل تطبیقی سازوکارهای حفظ مال، نظارت و ضمانت اجرا. معرفت و بصیرت اسلامی، ۴(۱)، ۱-۱۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۲ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۰ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

مقدمه

حمایت از یتیمان در سنت اسلامی تلفیقی از تکلیف شرعی، هنجار اخلاقی و مسئولیت اجتماعی است. قرآن کریم با آیات روشنگری چون «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ» و «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ» و نیز امر به آزمون رشد پیش از تحویل مال، طرحی منسجم برای صیانت از دارایی یتیم ارائه می‌کند؛ طرحی که بر سه رکن استوار است: نخست، احتفاظ و تحویل صحیح اموال به صاحب حق پس از احراز رشد؛ دوم، نظارت مستمر، حسابرسی و جلوگیری از خلط منافع در دوره قیمومت؛ سوم، پیش‌بینی ضمانت اجراهای کارآمد کیفری، مدنی و اداری در قبال تعدی یا تقصیر. در این منظومه، بلوغ زیستی به تنهایی معیار نیست؛ بلکه «رشد مالی» به مثابه توانایی اداره معقول دارایی و پرهیز از تبذیر، شرط انتقال و دسترسی مستقیم به مال است. بدین‌سان، آموزه قرآنی از سطح توصیه اخلاقی فراتر رفته و الگوی عملیاتی برای طراحی قواعد حقوق خصوصی و سازوکارهای حکمرانی بر اموال صغار و محجوران فراهم می‌کند.

جمهوری عراق، به‌عنوان نظامی حقوقی که هم‌زمان از فقه اسلامی و دستاوردهای حقوق مدرن اثر پذیرفته است، برای حمایت از اموال یتیمان ترتیباتی در حوزه‌های قیمومت، نظارت قضایی و سازوکارهای حمایتی مقرر کرده است. دادگاه‌های خانواده در نصب و عزل قیم و تنفیذ تصمیمات مالی نقش کانونی دارند؛ گزارش‌دهی ادواری، اخذ اجازه برای معاملات مهم، و امکان مداخله برای پیشگیری از تضییع مال از عناصر این نظام به‌شمار می‌روند. افزون بر این، برخی سیاست‌های اجتماعی نوین پس از دهه‌های اخیر (نظیر حمایت‌های معیشتی و آموزشی) به‌طور غیرمستقیم از فرسایش سرمایه یتیمان می‌کاهند. با این همه، پرسش بنیادین این است که این ترتیبات تا چه اندازه با منطق سه‌گانه قرآن (احتفاظ، نظارت، ضمانت اجرا) همسویی ساختاری و کارکردی دارند و در مقام اجرا تا چه حد به نتایج هم‌سنگ می‌انجامند.

شواهد میدانی و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش مهمی از قواعد، در عرصه متن قانونی، با روح آیات هم‌داستان است؛ اما در مقام اجرا، شکاف‌هایی دیده می‌شود: نبود «پروتکل استاندارد آزمون رشد مالی» پیش از تحویل اموال؛ ناهمگونی در کیفیت حسابرسی و گزارش‌دهی؛ احتمال تعارض منافع در نقش قیم یا مدیر اموال؛ فرسایش ارزش واقعی دارایی‌ها بر اثر تورم و تصمیم‌های پرریسک؛ و ضعف دسترسی به داده‌های قابل اتکا برای نظارت عمومی. در نتیجه، یتیم گاه در مقام «ذی‌نفع مالی منفعل» تعریف می‌شود، حال آن‌که منطق قرآنی، او را «صاحب حق فعال» و موضوع فرآیند توانمندسازی تدریجی می‌داند. رفع این شکاف مستلزم بازخوانی دقیق نصوص قرآنی در کنار بازمهندسی سازوکارهای حقوقی عراق با تمرکز بر سنجه‌های رشد مالی، کنترل خلط منافع، و ضمانت اجراهای بازدارنده است.

خلا پژوهشی این حوزه نیز قابل توجه است. بسیاری از آثار یا به تحلیل فقهی آیات و روایات بسنده کرده‌اند یا در چارچوب حقوق موضوعه عراق به توصیف مقررات قیمومت و حمایت‌های مدنی پرداخته‌اند. مطالعاتی که پیوند متن به متن و سازوکار به سازوکار بین گزاره‌های قرآنی و قواعد اجرایی عراق را نشان دهند و از دل این تطبیق، «الگوی عملیاتی» و سنجه‌های آزمون‌پذیر استخراج کنند، اندک است. این مقاله دقیقاً در این نقطه می‌ایستد: تبیین مدل سه‌مرحله‌ای «احتفاظ - نظارت - ضمانت اجرا» از متن قرآن و سنجش هم‌نوایی آن با ترتیبات حقوقی عراق، همراه با پیشنهاد «پروتکل آزمون رشد مالی» و بسته‌ای از ابزارهای ریسک‌محور برای حسابرسی و شفافیت.

بر این مبنا، هدف مقاله عبارت است از: یکم، استخراج اصول حاکم بر حقوق مالی یتیم در قرآن (تحویل پس از رشد، نهی از خلط و اکل، آزمون‌گری، تقدم مصلحت مالک صغیر) و صورت‌بندی آن در قالب معیارهای عملی؛ دوم، توصیف و تحلیل نظم حقوقی عراق در حوزه قیمومت و مدیریت اموال یتیم با تأکید بر فرآیندهای نصب

قیم، مجوزدهی به معاملات مهم، گزارش‌دهی و حسابرسی؛ سوم، ارزیابی تطبیقی میزان همسویی این نظم با معیارهای قرآنی و تبیین خلأها و گلوگاه‌های اجرایی؛ چهارم، ارائه پیشنهادهای سیاستی برای ارتقای نظارت، کاهش تعارض منافع، و مصون‌سازی دارایی‌ها از فرسایش ارزش و ریسک‌های مدیریتی.

روش‌شناسی

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. داده‌های متنی از سه منبع گردآوری شده‌اند: (۱) قرآن کریم و تفاسیر معتبر در موضوع یتیم و حقوق مالی؛ (۲) منابع فقهی و اصولی مرتبط با قواعد لطف، حرمت اضرار و احتفاظ مال؛ (۳) قوانین و مقررات عراق در حوزه‌های احوال شخصیه، مدنی، قیمومت، و ترتیبات حمایتی پس از ۲۰۰۳. ابتدا واژگان و گزاره‌های قرآنی با روش استقراء و تحلیل مضمون استخراج و در سه محور «حفظ و تحویل اموال»، «نظارت و آزمون رشد»، «ضمانت اجرا» کدگذاری شد. سپس این محورها با قواعد فقهی متناظر و در نهایت با ترتیبات حقوقی/اجرایی عراق مقایسه گردید. اعتباربخشی نتایج از طریق مثلث‌سازی منابع و تطبیق استنادات انجام شده است.

چارچوب نظری و مبانی

۱. تعریف و قلمرو یتیم

واژه «یتیم» در گستره لغت واژه‌ای مفرد، انفراد و تنهایی است و جمع آن به شکل‌های مکسر «ایتام» و «یتامی» بیان شده است. به معنای مفرد بودن و تنها است و به قبیله منزوی و تنها نیز اطلاق می‌شود. همچنین به اسبی که آهسته حرکت می‌کند و در راه رفتن کند است اطلاق می‌شود (Makarem Shirazi, 1995).

۲. مبانی قرآنی

آیات نساء/۲، ۵-۶ و ۱۰ و نیز ضحی/۹ سه اصل را تثبیت می‌کنند: (الف) لزوم تحویل اموال به صاحبان اصلی پس از احراز رشد؛ (ب) نهی از خلط/تبدیل زیان‌بار و مصرف ناحق؛ (پ) وجوب آزمون‌گری و مراقبت تا رسیدن به توانایی اداره‌ی مال.

۳. مبانی روایی و اخلاقی

روایات، پشتوانه مستقیم برای حکم حمایت از یتیم‌اند؛ پیامبر(ص) تکلیف والی/دولت به کفالت بی‌سرپرستان و بدهکاران را مقرر می‌کند: «مَنْ تَرَكَ دِيْنًا أَوْ ضِيَاعًا فَعَلِيَ الْوَالِي» (Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967).

۴. مبانی عقلی و قواعد فقهی

بر مبنای عقلی، سه قاعده به‌هم‌پیوسته، ضرورت حمایت از یتیم را تبیین می‌کنند: نخست «قاعده لطف» که تشریع حمایت را اقدامی لازم از سوی شارع حکیم برای تقرّب بندگان و پیشگیری از انحطاط اخلاقی و اجتماعی می‌داند (Al-Hilli, 1993)؛ دوم «قاعده حرمت اضرار» که بر پایه «لا ضرر و لا ضرار» هرگونه آسیب مالی، تربیتی یا عاطفی به یتیم را ممنوع می‌شمارد و عقل برای حفظ نظم اجتماعی، منع ضرر را تأیید می‌کند (Al Tusi)؛ سوم «قاعده احتفاظ مال» که وجوب نگهداشت اموال یتیم تا احراز رشد و آزمون توان اداره مال را، با پشتوانه قرآنی و عدالت اقتصادی، مقرر می‌سازد (نساء/۶) (Fayd Kashani, 1975; Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967)؛ بدین ترتیب، لطف «چرایی حمایت»، لا ضرر «حدّ منع آسیب» و احتفاظ «سازوکار اجرا» را فراهم می‌کند و حذف هر یک به بی‌عدالتی و آسیب اجتماعی می‌انجامد.

تحلیل تطبیقی قرآن و قوانین عراق

۱. حفظ و تحویل اموال

در منطق قرآن، اصل «حفظ و تحویل اموال یتیم» به‌صراحت با وجوب بازگرداندن مال و نهی از تصرف ناعادلانه مقرر شده و شرط تحویل، رسیدن به «بلوغ» همراه با «رشد» است؛ یعنی احراز توانمندی مدیریت مالی و اداره‌ی دارایی (نساء/۲، ۵، ۶، ۱۰) (Makarem Shirazi, 1995; Tabatabai, 2011). قید «التي هي أحسن» نیز اقتضا می‌کند هر تصرف، با اجازه‌ی مقام صالح و فقط در ضرورت‌هایی چون درمان و تحصیل و با حفظ ارزش مال انجام شود (نساء/۵) (Mousavi, 2009). این هسته‌ی هنجاری در حقوق عراق بازتاب یافته است: ماده‌ی ۱۰۱ قانون مدنی، حفظ اموال محجورین از جمله یتیم را الزامی می‌داند و قانون احوال شخصیه

۳. قیمومت و حدود اختیارات

قیمومت در حقوق عراق نهادی امانی است که با حکم دادگاه خانواده برای صیانت و اداره اموال یتیم تا احراز «بلوغ و رشد» برقرار می‌شود؛ قیم مکلف به حفظ دارایی، ارائه گزارش‌های دوره‌ای و اخذ اجازه برای معاملات مهم است و در صورت سوءمدیریت قابل عزل می‌باشد (قانون الأحوال الشخصية للعراق، رقم ۱۸۸ لسنة ۱۹۵۹، م ۱۴۶-۱۴۸؛ القانون المدني العراقي، م ۱۰۱). حدود اختیارات قیم مقید به «مصلحت یتیم» و منع هرگونه تعارض منافع یا تبدیل زیان‌بار دارایی است و تصرفات باید در چارچوب احسن انجام گیرد (نساء/۲، ۵). با احراز «رشد» از طریق آزمون صلاحیت، قیمومت خاتمه یافته و اموال به صاحب آن تحویل می‌شود (نساء/۶).

۴. ضمانت اجرا و منع اضرار

در منطق قرآن، نظارت مستمر «اولی الامر» بر اموال یتیم همراه با آزمون رشد و تهدید شدید نسبت به تجاوز به حق یتیم، چارچوب بازدارندگی را می‌سازد: «وَابْتَئُوا الْيَتَامَى...» برای احراز صلاحیت اداره مال (نساء/۶) و «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...» برای کیفر اخروی متعلّیان (نساء/۱۰)؛ همچنین قاعده «لا ضرر و لا ضرار» مبنای منع هرگونه اضرار است. این منطق در حقوق عراق به ضمانت‌های عینی و فوری ترجمه شده است: قاضی خانواده مکلف به نظارت مستقیم، نصب وصی یا هیأت‌مدیره و الزام به حسابرسی سالانه مشروح با اختیار مداخله و عزل در صورت سوءمدیریت است (قانون الأحوال الشخصية للعراق، رقم ۱۸۸ لسنة ۱۹۵۹، م ۱۴۶) و برای تصرفات متخلفانه مجازات‌هایی مانند حبس تا سه سال و جزای نقدی پیش‌بینی شده است (قانون العقوبات العراقي، م ۴۲۲). جمع‌بندی تطبیقی نشان می‌دهد قانون عراق در بُعد مالی با اصول قرآنی همسو و دارای شفافیت اجرایی است، در حالی که قرآن علاوه بر ضمانت‌های مالی، بر منع اضرار در ساحت‌های عاطفی و تربیتی نیز تأکید فراگیر دارد که می‌تواند الهام‌بخش تقویت بعد غیرمالی حمایت از یتیمان در قانون‌گذاری باشد (نساء/۶، ۱۰).

۱۹۵۹/۱۸۸ تحویل اموال پس از احراز رشد را بر عهده‌ی قیم می‌گذارد؛ روایات نیز پشتوانه‌ی مسئولیت عمومی برای کفالت یتیم را تقویت می‌کنند (Al-Bukhari, 2010). در جمع‌بندی تطبیقی، قوت نظام عراق در ترجمه‌ی حکم کلی شرع به روندهای شفاف قضایی و نظارتی است (تشکیل پرونده، نظارت دادگاه، گزارش‌دهی)، اما چالش تعیین مصداق دقیق «رشد» باقی است و نیاز به معیارهای روشن رفتاری-شناختی و کاهش اتکای صرف به تشخیص موردی قاضی دارد (نساء/۶؛ ماده ۱۰۱ قانون مدنی عراق؛ قانون احوال شخصیة ۱۹۵۹/۱۸۸).

۲. نظارت کامل

در الگوی قرآنی، «نظارت کامل» بر اموال یتیم به صورت آزمون‌گری مستمر و تشخیص صلاحیت برای اداره مال مقرر است: «وَابْتَئُوا الْيَتَامَى...» که احراز رشد را پیش‌شرط می‌گیرد (نساء/۶) و «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» که هر تصرف را منوط به احسن و مقتضی مراقبت می‌کند (انعام/۱۵۲). این منطق در حقوق عراق به سازوکار نهادی ترجمه شده است: الزام ثبت رسمی دارایی، گزارش‌دهی ادواری و منع معاملات بدون مجوز تحت نظارت قاضی (قانون المدني للعراق، م ۸۷)؛ معماری سه‌لایه نظارت شامل دادگاه خانواده برای نصب/عزل قیم و تأیید حساب‌ها (قانون الأحوال الشخصية ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶ و م ۱۴۸)، امکان تشکیل هیأت‌مدیره در اموال کلان برای مدیریت و سرمایه‌گذاری امن (همان، م ۱۴۷)، و حسابرسی عالی توسط دیوان محاسبات به عنوان نهاد ناظر کلان مالی (قانون دیوان المحاسبات، رقم ۳۱ لسنة ۲۰۱۱). فرآیند عملی نیز بر گزارش‌دهی دوره‌ای—مثلاً هر شش ماه با مهر دادگاه و تأیید حسابدار رسمی—و مداخله قضایی در صورت کاهش غیرمنطقی دارایی یا تأخیر/تخلف در گزارش‌ها استوار است (الموقع الرسمي لديوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳). برای تضمین اجرا نیز ضمانت‌های کیفری پیش‌بینی شده است، از جمله ضبط اموال متعلق به معاملات متخلفانه و حبس تا سه سال برای مرتکبان (قانون العقوبات العراقي، م ۴۲۲).

۵. تحولات حمایتی پس از ۲۰۰۳

پس از ۲۰۰۳، الگوی حمایتی عراق از رویکرد صرفاً مالی به چارچوبی جامع‌نگر تغییر کرده است: ارائه «مشاوره روان‌شناختی رایگان» برای ایتام به صورت الزام قانونی پیش‌بینی شد (قانون الأطفال للعراق، ۲۰۲۰، ماده ۱۲) و «حق برخورداری از مسکن اجتماعی بدون فشار و تبعیض» در سطح اساسی تثبیت گردید (دستور العام للعراق، ۲۰۰۵، ماده ۳۰؛ برنامه الإسکان الوطني، ۲۰۱۸). در حوزه آموزش، «رایگان بودن تا پایان دبیرستان» به عنوان خط‌مشی پایدار تأکید شده و در عمل، برخی دانشگاه‌های دولتی—از جمله بغداد—بورسیه‌های کامل برای یتیمان ممتاز فراهم می‌کنند (نظام تنمية المراهقين في العراق، ۱۹۶۴). در بعد مالی، «مستمری یتیمان» که بر پایه درصدی از حداقل دستمزد تعریف شده بود (قانون الضمان الاجتماعي للعراق، ۱۹۶۳)، پس از ۲۰۰۳ با «تعدیل سالانه بر اساس تورم» تکمیل شد که در چارچوب سیاست‌های مقاومت‌سازی اقتصادی مورد اشاره قانون اساسی تفسیر می‌شود (الدستور العراقي، ماده ۲۳). این مجموعه تحولات، نشانه گذار به حمایتی چندبُعدی روانی، آموزشی، مسکن و معیشت برای تضمین کرامت و فرصت‌های برابر یتیمان است.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که منطق هنجاری قرآن در حوزه حقوق مالی یتیم یعنی «حفظ و تحویل اموال پس از احراز رشد»، «نظارت مستمر آزمون‌گرانه» و «ضمانت اجرای بازدارنده»—قابل ترجمه به معماری نهادی دقیق و قابل اجراست و حقوق عراق در بسیاری از بخش‌ها این ترجمه را محقق کرده است. در سطح نصوص، قرآن وجوب بازگرداندن اموال و منع هرگونه تصرف ناعادلانه را تصریح و تحویل را به بلوغ همراه با «رشد» مقید می‌کند (نساء/۲، ۵، ۶، ۱۰)؛ تفاسیر فقهی نیز «رشد» را توانمندی در مدیریت مالی و اداره دارایی تفسیر می‌کنند (Makarem Shirazi, 1995; Tabatabai, 2011). این هسته هنجاری در حقوق عراق به قواعد الزام‌آور بدل شده است: لزوم حفظ اموال محجورین در قانون مدنی (م ۱۰۱)، سپردن تحویل به قیم پس از احراز رشد در قانون

احوال شخصیه ۱۹۵۹/۱۸۸ و ترسیم زنجیره نظارت از دادگاه خانواده تا امکان تشکیل هیأت‌مدیره و حسابرسی عالی در مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸ و قانون دیوان محاسبات ۲۰۱۱/۳۱. بدین‌سان، نقطه قوت اصلی نظام عراق تبدیل حکم کلی شرعی به روندهای شفاف ثبت، گزارش‌دهی و مداخله قضایی است.

با این همه، سنجش «رشد» در مقام اجرا همچنان حلقه چالش است. قرآن، آزمون‌گری پیش از تحویل را الزام می‌کند (نساء/۶) و قاعده «التي هي أحسن» را معیار کیفیت تصرف می‌گذارد (نساء/۵)، اما تبدیل این دو به سنجه‌های عینی—مانند شاخص‌های سواد مالی، رفتار هزینه‌ای، تحمل ریسک و توان اداره معاملات کم‌خطر در حقوق عراق به صورت یکپارچه نهادینه نشده و غالباً به تشخیص موردی قاضی و کیفیت گزارش قیم متکی است. نتیجه آن که امکان ناهمگونی‌های منطقه‌ای و شخص‌محور شدن تصمیم‌ها افزایش می‌یابد. از منظر فقه قواعد، «لطف» چرایی وضع حکم حمایتی، «لا ضرر» حدّ منع آسیب، و «احتفاظ» سازوکار اجرا را توضیح می‌دهند (Fayd Kashani, 1975; Ibn Sina, 1984)، اما کارآمدی این منطق در گرو تبدیل آنها به معیارهای آزمون‌پذیر رشد و دستورالعمل‌های عملیاتی برای قیم و دادگاه است.

در محور «نظارت و امانت‌داری»، هم‌سویی قابل توجهی میان نص قرآنی و حقوق عراق دیده می‌شود. قرآن با امر به آزمون و قید «احسن»، نظارتی پیوسته و محتاطانه را تجویز می‌کند (نساء/۶؛ انعام/۱۵۲) و حقوق عراق این منطق را به الزام ثبت رسمی دارایی، گزارش‌دهی ادواری با شکل و محتوای مشخص و منع معاملات بدون مجوز ترجمه کرده است (القانون المدني، م ۸۷؛ قانون الأحوال الشخصية ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶–۱۴۸). اضافه شدن لایه حسابرسی عالی توسط دیوان محاسبات (قانون ۲۰۱۱/۳۱) نیز حلقه نهایی اطمینان را فراهم می‌آورد. با وجود این، ریسک «تعارض منافع» قیم یا هیأت‌مدیره و نیز «کیفیت گزارش» همچنان نیازمند پروتکل‌های روشن‌تر است؛ قاعده منع ضرر ایجاب می‌کند هر منفعت‌گیری

شخصی یا تبدیل زبان بار دارایی ممنوع و قابل پیگرد باشد (نساء/۲؛ قاعده لا ضرر).

تفاوت مهم دو منظومه در نوع ضمانت اجراست. قرآن با تهدید شدید اخروی نسبت به اکل مال یتیم (نساء/۱۰) بازدارندگی درونی/اخلاقی را هدف می‌گیرد، درحالی‌که حقوق عراق، بازدارندگی بیرونی/فوری را با مجازات‌هایی مانند حبس تا سه سال و جزای نقدی اعمال می‌کند (قانون العقوبات العراقي، م ۴۲۲). این تفاوت ماهوی، تعارضی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه مکملیت دو لایه بازدارندگی را نشان می‌دهد: «تثبیت وجدان امانی» از یک‌سو و «پاسخگویی قضایی» از سوی دیگر. با این حال، چون قانون کیفری عمدتاً مالی محور است، بُعد آسیب‌های غیرمالی مرتبط با اموال (مانند تصمیم‌های مالی که به واسطه غفلت تربیتی یا فشار روانی بر یتیم تحمیل می‌شود) کمتر پوشش یافته و می‌تواند موضوع توسعه تقنینی باشد.

تحولات پس از ۲۰۰۳ نشان می‌دهد سیاست‌گذار عراقی به تدریج به سوی الگوی جامع‌نگر حرکت کرده است: الزام به مشاوره روان‌شناختی رایگان (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲)، شناسایی حق مسکن اجتماعی بدون فشار و تبعیض (الدستور، ۲۰۰۵، م ۳۰؛ برنامه الإسکان الوطني، ۲۰۱۸)، استمرار آموزش رایگان تا پایان دبیرستان (نظام تنمية المراهقين، ۱۹۶۴) و تکمیل مستمری با تعدیل تورمی (قانون الضمان الاجتماعي، ۱۹۶۳؛ الدستور، م ۲۳). این سیاست‌ها در کنار سازوکارهای مالی، می‌توانند «رشد مالی» را تسهیل کنند؛ زیرا حمایت‌های روانی، آموزشی و مسکن، زمینه تصمیم‌گیری بهینه اقتصادی را برای یتیم در آستانه تحویل افزایش می‌دهد. در عین حال، چالش اجرا—کمبود نیروی متخصص در مناطق دورافتاده، محدودیت بودجه و ناهمگونی نظارت—می‌تواند کارایی این ضمانت‌ها را کاهش دهد؛ لذا پیوند نظام‌مند سیاست‌های رفاهی با فرایندهای مالی دادگاه خانواده (مثلاً شرط حضور در برنامه‌های آموزش مالی به‌عنوان پیش‌نیاز تحویل مرحله‌ای) ضروری است.

از حیث روش شناختی، «مثلث‌سازی منابع»—ترکیب قرآن و تفسیر، فقه قواعد و قوانین/رویه‌ها—اعتبار استنتاج‌ها را تقویت می‌کند و

مانع «تک‌منبعی شدن» احکام اجرایی می‌شود. با این حال، بحث حاضر نشان می‌دهد که گذار از منطق به مدل اجرایی، نیازمند لایه سوم شواهد یعنی «داده‌های میدانی از پرونده‌های واقعی» است تا صحت و کفایت شاخص‌های رشد و نظارت سنجیده شود. پیشنهاد عملی، تدوین «پروتکل آزمون رشد مالی» با سنجه‌های رفتاری—شناختی و نسبت‌های عددی (نسبت نقدینگی، انحراف از بودجه، افت غیرمنطقی دارایی)، «چارچوب ریسک‌پایش» برای پرونده‌ها، و «الزام افشای ذی‌نفعی» برای قیم/اعضاست. چنین بسته‌ای، روح آیات «احسن» و «احتفاظ» را به ابزارهای قابل سنجش تبدیل می‌کند (نساء/۵، ۶).

نکته تکمیلی آن‌که قیومت در حقوق عراق ذاتاً «امانت‌محور» است و با احراز رشد پایان می‌یابد (قانون الأحوال الشخصية ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶–۱۴۸؛ نساء/۶). بحث حاضر تأکید می‌کند پایان قیومت باید با «نقشه تحویل مرحله‌ای» و «آموزش مالی پیشینی» همراه باشد تا ریسک ازبین‌رفتن ارزش دارایی به واسطه ناآشنایی یتیم با تصمیم‌های مالی کاهش یابد. این پیوند، ترجمان عملی قاعده لطف (پیشگیری از انحطاط اجتماعی) و لا ضرر (منع آسیب پیش‌بینی‌پذیر) در لحظه انتقال است.

در جمع‌بندی، هم‌سویی اصول قرآنی با چارچوب‌های قانونی عراق در بُعد مالی چشمگیر است؛ اما برای نزدیک‌تر شدن به نگاه جامع قرآن، باید عناصر غیرمالی، روانی، تربیتی و کرامتی که در تحولات پس از ۲۰۰۳ وارد سیاست‌گذاری شده‌اند، به‌صورت نظام‌مند با فرایندهای مالی ادغام شوند. بدین ترتیب، «رشد» نه فقط به‌عنوان توان حسابداری، بلکه به‌مثابه «صلاحیت چندبعدی» تعریف می‌شود؛ تعریفی که پشتوانه قرآنی، روایی و عقلی دارد (نساء/۲، ۵، ۶، ۱۰) (Al-Hilli, 1993; Ibn Sina, 1984; Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967) و می‌تواند مبنای اصلاحات اجرایی آینده قرار گیرد.

پیشنهادهای سیاستی و اجرایی

بسته سیاستی پیشنهادی با هدف بستن شکاف اجرا و کاهش ریسک تضییع دارایی‌ها، از «استانداردسازی تشخیص رشد» آغاز می‌شود. تدوین «پروتکل آزمون رشد مالی» پیش از تحویل اموال باید شاخص‌های روشن و قابل سنجشی چون سواد مالی، الگوی رفتار هزینه‌ای، توان اداره معاملات کم‌خطر و انضباط حسابداری را شامل شود. هم‌زمان، ایجاد «ثبت الکترونیکی دارایی‌های یتیم» با شناسه یکتا، تاریخچه مالکیت و کنترل تغییرات، شفافیت و ردیابی مداوم را ممکن می‌کند و احتمال فروش‌های غیرمجاز یا جابه‌جایی مشکوک دارایی را به‌طور معنادار کاهش می‌دهد.

در سطح نظارت، الزامی‌شدن «حسابرسی ادواری ریسک‌محور» همراه با گزارش‌دهی استاندارد—از جمله صورت‌وضعیت دارایی، صورت درآمد و هزینه، اسناد پشتیبان و نسبت‌های کنترلی—باید قاعده ثابت همه پرونده‌ها باشد. برای صیانت از امانت، قواعد سخت‌گیرانه «تعارض منافع» برای قیم و هرگونه هیأت اداره‌کننده ضروری است: افشای ذی‌نفعی، منع بهره‌برداری شخصی و تعیین آستانه‌های مداخله فوری در صورت مشاهده نشانه‌های تضاد منافع، از ارکان این بخش است.

ضمانت اجرا نیز باید تقویت شود تا بازدارندگی واقعی پدید آید: جرم‌انگاری صریح‌تر «قصور ناظر»، پیش‌بینی «جبران مضاعف» برای اکل یا تلف عمدی و امکان «سلب صلاحیت بلندمدت» از متخلفان، به‌همراه سازوکارهای رسیدگی سریع، چارچوب پاسخ‌گویی را کامل می‌کند. در کنار این، «خط ارتباطی ویژه شکایت» و «حمایت حقوقی رایگان» برای یتیمان باید در دسترس و بی‌تشریفات باشد تا امکان دادخواهی به‌موقع فراهم شود.

سرانجام، توانمندسازی ذی‌نفع اصلی یعنی خود یتیم، شرط پایداری نظام است. طراحی «برنامه‌های آموزش مالی» برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال با هدف آمادگی برای تحویل تدریجی اموال و مدیریت بودجه شخصی، باید هم‌زمان با پیوند دادن «حمایت‌های معیشتی» به وضعیت واقعی پرونده اجرا شود؛ به این معنا که استمرار کمک‌ها

منوط به ارائه گزارش‌های استفاده و تحقق اهداف تعیین‌شده باشد تا شفافیت و کارایی منابع حمایتی ارتقا یابد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با اتکا به مثلث هنجاری قرآنی «حفظ و تحویل اموال پس از احراز رشد»، «نظارت مستمر آزمون‌گرانه» و «ضمانت اجرای بازدارنده» و پشتیبانی روایی و عقلی (قواعد لطف، لا ضرر و احتفاظ)، نشان داد که حقوق عراق در بُعد مالی حمایت از یتیمان، به‌طور کلی با این منطق همسو است و توانسته است حکم‌های کلی شرع را به سازوکارهای عملیاتی تبدیل کند. الزام به ثبت و صیانت دارایی، نصب قیم و امکان تشکیل هیأت‌مدیره، گزارش‌دهی و حسابرسی دوره‌ای و پیش‌بینی ضمانت‌های کیفری، هسته این ترجمه نهادی را می‌سازند و از حیث «قابلیت اجرا» نقطه قوت نظام حقوقی عراق به‌شمار می‌آیند.

با این حال، حلقه حساس «احراز رشد» هنوز به‌طور استاندارد و شاخص‌مند پیاده‌سازی نشده و در عمل به تشخیص موردی قاضی، کیفیت گزارش قیم و ظرفیت نهادی هر حوزه وابسته است. همین امر، ناهمگونی اجرا، احتمال تعارض منافع و ریسک فرسایش ارزش واقعی دارایی‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، هرچند تمرکز این مقاله بُعد مالی است، روشن شد که برای تحقق کامل روح آیات، پیوند نظام‌مند بُعد مالی با مؤلفه‌های غیرمالی، روانی، تربیتی و کرامت‌ضروری است؛ رویکردی که پس از ۲۰۰۳ در سیاست‌های عراق (مشاوره روانی، مسکن اجتماعی، آموزش رایگان و تعدیل معیشتی) آغاز شده اما هنوز به فرایندهای مالی دادگاه خانواده و قیومت «یکپارچه» نشده است.

بر این مبنا، مسیر بهینه اصلاح، تبدیل معیارهای قرآنی «احسن» و «رشد» به ابزارهای سنجش‌پذیر و قابل نظارت است: تدوین پروتکل آزمون رشد مالی، ایجاد ثبت الکترونیکی دارایی‌ها، حسابرسی ریسک‌محور، قواعد سخت‌گیرانه تعارض منافع، تقویت ضمانت اجرا و کانال‌های سریع دادخواهی، و آموزش مالی مرحله‌ای برای یتیمان در آستانه تحویل. چنین بسته‌ای، بازدارندگی اخلاقی قرآن را با

الگوی قابل اقتباسی برای سایر نظام‌های حقوقی اسلامی فراهم می‌سازد؛ الگویی که در آن «رشد» از مهارت حسابداری فراتر رفته و به صلاحیت چندبُعدی اخلاقی، رفتاری و مدیریتی ارتقا می‌یابد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The protection of orphans' financial rights occupies a central place in Islamic jurisprudence, where divine injunctions integrate ethical, legal, and administrative dimensions to ensure justice for vulnerable members of society. The Qur'an articulates this responsibility through explicit verses such as "*Give the orphans their property*" (al-Nisā' 4:2) and "*Do not consume their property along with your own*" (al-Nisā' 4:10), establishing a threefold normative structure: preservation of wealth, continuous supervision, and enforceable guarantees. Within this framework, *rushd* (financial maturity) becomes a prerequisite for property delivery, emphasizing that biological adulthood alone is insufficient without demonstrable capacity for prudent management. The Qur'anic logic transcends moral exhortation, functioning instead as a governance model applicable to legal institutions tasked with safeguarding the assets of minors and those under guardianship. Iraq, whose legal system blends Islamic jurisprudence with modern statutory law, reflects this Qur'anic paradigm through its civil code, personal status laws, and social protection policies. The current study employs a descriptive-analytical and comparative method to investigate how the Qur'an's principles of property retention (*iḥtifāz al-māl*), non-harm (*lā ḍarar*), and divine benevolence (*lutf*) are operationalized within Iraq's post-2003 legal and administrative frameworks. Drawing on key juristic and exegetical sources such as (Makarem Shirazi, 1995), (Al-Hilli, 1993), (Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967), and (Fayd

بازدارندگی قضایی قانون جمع می‌کند، کیفیت تصمیم‌گیری مالی یتیم را ارتقا می‌دهد و از اتلاف دارایی‌ها پیشگیری می‌نماید.

در جمع‌بندی، نظام حقوقی عراق چارچوب لازم برای صیانت مالی از یتیمان را در اختیار دارد، اما برای نزدیک‌تر شدن به الگوی جامع قرآن، نیازمند «استانداردسازی احراز رشد» و «ادغام سیاست‌های رفاهی با فرایندهای مالی» است. تحقق این دو، شکاف میان نصّ و اجرا را کاهش می‌دهد، عدالت حمایتی را یکنواخت می‌کند و

(Kashani, 1975), the research maps the convergence and gaps between Qur'anic ethics and Iraq's evolving institutional mechanisms of oversight and enforcement.

The Qur'anic foundation of orphan protection rests on explicit textual imperatives that govern both the preservation and the ethical use of wealth. Verses in al-Nisā' (4:2, 5–6, 10) and al-Ḍuḥā (93:9) define ownership as a sacred trust and link its transgression to spiritual and social corruption. Exegetes such as (Makarem Shirazi, 1995) interpret the command "*And test the orphans until they reach marriageable age; then if you perceive sound judgment in them, deliver their property to them*" (4:6) as establishing a standard of evaluative competence prior to any transfer of control. This interpretation situates financial maturity as both a moral and practical condition, grounded in the divine order of justice. Classical scholars, including (Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967) and (Fayd Kashani, 1975), further developed the principle of *iḥtifāz al-māl*, emphasizing the duty to preserve wealth through careful administration until clear evidence of prudent management is shown. Meanwhile, the principle of *lā ḍarar* articulated by (Al Tusi) prohibits any harm—material or emotional—to the orphan, rendering negligent or exploitative behavior legally and ethically impermissible. The triadic logic of *lutf*, *lā ḍarar*, and *iḥtifāz* thus integrates divine benevolence, harm prevention, and fiduciary responsibility into a coherent legal-ethical mandate. This framework underpins the comparative analysis undertaken here, wherein Iraq's modern guardianship laws and

welfare structures are examined for alignment with these enduring principles.

Within Iraq's legislative corpus, several statutes codify mechanisms that approximate the Qur'anic injunctions. Article 101 of the Iraqi Civil Code mandates the safeguarding of minors' and orphans' assets, while Law No. 188 of 1959 on Personal Status regulates the appointment, supervision, and removal of guardians (*qayyim*), requiring judicial authorization for major transactions and regular reporting to family courts. As commentators note, this legal infrastructure reflects the Qur'an's dual concern for *hifz al-māl* (preservation) and *tahqīq al-rushd* (verification of maturity). Yet interpretive and procedural ambiguities remain, particularly regarding the operational criteria for determining *rushd*. Whereas the Qur'an implies a functional competence rooted in ethical awareness, Iraq's application tends toward case-specific judicial discretion. To bridge this gap, the study argues for standardized behavioral and cognitive metrics—financial literacy, budgeting behavior, and risk tolerance—as contemporary expressions of the Qur'anic test of maturity. This argument builds on the hermeneutic lineage of (Tabatabai, 2011), who describes *rushd* as the “capacity for sound management of worldly affairs,” and extends it into a modern regulatory context. Thus, while the Iraqi judiciary has institutionalized reporting and oversight procedures, it still lacks a unified protocol for evaluating financial maturity consistent with Qur'anic reasoning. The article therefore proposes a reform framework combining legal codification with ethical assessment to ensure the comprehensive protection envisioned by revelation.

The Qur'an's injunction for continuous oversight (*wa-btalū al-yatāmā*) finds modern resonance in Iraq's tripartite supervision system encompassing family courts, guardianship boards, and the Supreme Audit Bureau. Legal provisions require guardians to submit biannual financial reports endorsed by certified accountants, with judicial intervention authorized upon any irregularity. Statutes such as Law No. 31 of 2011 on the Audit

Bureau strengthen macro-level financial control, while criminal sanctions under Article 422 of the Penal Code penalize embezzlement or negligence with imprisonment of up to three years. This architecture mirrors the Qur'anic emphasis on persistent accountability, transforming moral exhortation into procedural governance. However, the study identifies critical vulnerabilities: disparities in enforcement across regions, limited professional training for local auditors, and insufficient transparency in reporting. These deficiencies echo the Qur'anic warning against *commingling wealth* and consuming orphan property “*except in the way that is best*” (al-An'ām 6:152). Moreover, while Iraqi law effectively operationalizes external oversight, it inadequately addresses the internal moral dimension of guardianship emphasized in scriptural and philosophical sources. As (Ibn Sina, 1984) and (Al-Hilli, 1993) assert, genuine justice requires the cultivation of moral virtue within the guardian, not merely institutional control. Hence, the study recommends a dual-layer model integrating ethical formation programs for guardians alongside procedural audits, aligning inner conscience with external accountability.

A notable dimension of Iraq's post-2003 legal evolution is the broadening of orphan protection beyond mere asset preservation toward holistic social welfare. The 2005 Constitution enshrines the right to housing and social security, while the 2020 Child Law (Article 12) mandates free psychological counseling for orphans. These developments, supported by educational and housing initiatives such as the National Housing Program (2018) and free schooling through secondary education, manifest a policy shift from transactional guardianship to developmental empowerment. Within Qur'anic hermeneutics, this transformation resonates with the principle of *lutf*—benevolent facilitation of moral and material well-being. By integrating psychosocial and educational support with financial safeguards, Iraq's welfare system moves closer to the Qur'an's multidimensional conception of *rushd*. Yet

practical challenges persist: inconsistent funding, regional inequalities, and limited coordination between social and judicial agencies hinder comprehensive implementation. The study highlights that effective reform requires linking these welfare programs directly to financial guardianship procedures, such that participation in education and counseling becomes a precondition for phased property transfer. This integrative approach reflects the Qur'anic synthesis of ethical development and economic autonomy as co-dependent pathways to human dignity.

Methodologically, the study employs textual triangulation across scriptural, juristic, and legislative domains to ensure analytical rigor. Qur'anic verses are interpreted alongside classical jurisprudence and contemporary Iraqi statutes, facilitating cross-validation between divine norms and human enactments. The interpretive framework acknowledges that each domain—revelation, reason, and law—contributes distinct epistemic authority: revelation defines moral intent, jurisprudence operationalizes principles through reasoned argument, and statutory law translates them into enforceable policy. The comparative analysis reveals strong consonance between the Qur'an's tripartite structure—preservation, oversight, enforcement—and Iraq's multi-tiered system of guardianship, audit, and criminal sanction. Nevertheless, the study uncovers conceptual asymmetries: whereas Qur'anic ethics fuse moral accountability with legal obligation, modern legislation tends to separate them, emphasizing procedural compliance over spiritual integrity. Drawing on (Fayd Kashani, 1975) and (Khaje Nasir al-Din Tusi, 1967), the article concludes that a comprehensive model must restore this unity by embedding ethical education within legal enforcement. Only through such integration can the protective intent of the Qur'an be fully realized in contemporary governance.

In conclusion, the comparative inquiry demonstrates that Iraq's legal framework embodies much of the Qur'an's financial ethics regarding orphan property, yet it still lacks standardized

instruments for assessing maturity and ensuring equitable supervision. The Qur'an envisions protection as a continuous moral process culminating in autonomous stewardship, not mere custodianship. Modern Iraqi law, while procedurally robust, remains fragmented between judicial oversight and social welfare. The study therefore advocates a harmonized model that combines measurable financial literacy criteria, electronic asset registration, risk-based auditing, and guardian transparency with expanded psychosocial support and legal accountability. Such integration would align Qur'anic moral deterrence with judicial enforcement, transforming ethical duty into institutional practice and thereby advancing a unified paradigm of protection, empowerment, and justice for orphans in the Islamic legal tradition.

References

- Al-Bukhari, A. A. M. i. I. (2010). *Sahih al-Bukhari*. Dar al-Kitab al-Arabi.
- Al-Hilli, H. i. Y. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha (A Memorandum for the Jurists)*. Al al-Bayt Institute.
- Al Tusi. *Al-Khilaf (The Differences [of Opinion])*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Fayd Kashani, M. i. M. (1975). *Mafatih al-Shara'i (The Keys to the Paths)*. Sokhan Gostar Publishing.
- Ibn Sina, H. i. A. (1984). *Al-Shifa (The Healing)*. Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Khaje Nasir al-Din Tusi. (1967). *Akhlaq-e Nasiri (The Nasirean Ethics)*. Javidan Publishing.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Nemuneh (The Exemplary Interpretation)*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mousavi, S. A. A. (2009). *Fiqh al-Masa'il al-Mustahdatha (The Jurisprudence of Novel Issues)*. Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Tabatabai, S. M. H. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an (The Balance in the Interpretation of the Qur'an)*. Islamic Publications Office.